

- صاحب امتیاز: معاونت امور اقتصادی
- مدیرمسئول: سعید شیرکوند
- سردبیر: علی دینی ترکمانی

مطلب آغازین این شماره با اشاره اجمالی به «تحقیق و پژوهش مشترک جهانی ما در آن» و جایگاه ایران در آن آغاز می‌شود. مبحث اقتصاد ایران شامل چهار مقاله است. مقاله اول با استناد به آمار و ارقام به تفصیل عملکرد سرمایه‌گذاری خارجی ایران طی سال‌های ۸۱-۱۳۳۵ را بررسی می‌کند. دومین مقاله با عنوان «ارزیابی عملکرد سیاست‌های اشتغال‌زایی در قانون برنامه سوم توسعه ۸۱-۱۳۷۹» دنباله مقاله‌ای است که قسمت اول آن در شماره قبل به چاپ رسیده است. این مقاله مسأله اشتغال را از جوانب گوناگون مورد بررسی قرار می‌دهد. «بررسی فرصت‌های شغلی و برآورد سهم نیروی انسانی متخصص» عنوان مقاله دیگری است که تحول توزیع شاغلان متخصص برحسب بخش‌های اقتصادی را بررسی می‌کند. «آزادسازی واردات در جهت دستیابی به جهش صادراتی» عنوان چهارمین مقاله است که در آن پیشینه و جایگاه صنعت خودروسازی، تجربه آزادسازی واردات در کره، و مزایای آزادسازی واردات خودرو، همراه با توصیه‌های سیاستی، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در مبحث اقتصاد توسعه چهار مقاله آمده که قسمت آخر مقاله «کارایی در اصلاح قیمت یارانه‌ای» نخستین مطلب آن است. مقاله بعدی که گزارشی است به کلوب رم با عنوان «به حساب آوردن طبیعت» که به مسائل زیست محیطی و زندگی بشر در کره زمین می‌پردازد. این مطلب در ادامه کتاب بسیار معروف این گروه با عنوان «محدودیت رشد» است. «توزیع درآمد و هزینه‌های اجتماعی در برزیل» قسمت اول از مطلب مفصلی است که دفتر صندوق بین‌المللی پول در برزیل برای ارزیابی روند توزیع درآمد و عوامل تعیین‌کننده برابری درآمد و سیاست‌های اجتماعی انجام داده است. آخرین مقاله این مبحث به توسعه روستایی، کشاورزی و امنیت غذایی می‌پردازد.

«بانکداری اسلامی» عنوان مقاله‌ای است در مبحث اقتصاد پول و بانک که مسائل توسعه بانک اسلامی و آینده این بانک را مورد بحث قرار می‌دهد.

در مبحث اقتصاد بین‌الملل سه مقاله آمده که نخستین آن «برندگان و بازندگان» عنوان مقاله جالبی است از رابرت وید استاد اقتصاد سیاسی دانشکده اقتصاد لندن. «تولد دوباره یک ملت» مقاله‌ای است از نشریه اکونومیست که به موضوع افغانستان و القاعده و مسائل مربوط به آن می‌پردازد. «شبکه جهانی اینترنت و قانون» گزارشی کوتاهی است از حکم دادگاه عالی استرالیا که هشدار است به شرکت‌های وسایل ارتباطی دنیا.

در مبحث اطلاع رسانی، به روال شماره‌های پیشین، در آشنایی با مکاتب اقتصادی، این بار مکتب نئوکلاسیک مورد بحث قرار می‌گیرد. در همین مبحث، کتاب توسعه به مثابه آزادی اثر ارزشمند آمارتیاسن، برنده جایزه نوبل اقتصاد، بررسی می‌شود. مطلب بعدی، مقاله کوتاهی است از ایناسیو رامونه، استاد تئوری ارتباطات در دانشگاه‌های پاریس با عنوان «دست‌نشاندهی». مقاله چهارم این مبحث «عراق پس از جنگ در گرو دو دیدگاه متخاصم» به مسائل گروه‌های رقیب در عراق و نقش امریکا در ارتباط با آن‌ها می‌پردازد. آخرین مقاله، «در حوضیض ناتوانی»، مطلبی است خواندنی از ادوارد سعید که نگاهی دارد به مسائل اسرائیل و فلسطین و مسأله تروریسم.

سرآغاز سخن: تحقیق و پژوهش مشترک جهانی و جایگاه ما در آن

اقتصاد ایران

- بررسی عملکرد سرمایه‌گذاری خارجی ایران طی سال‌های ۸۱-۱۳۳۵ / مهری رحیمی فر ۳
ارزیابی عملکرد سیاست‌های اشتغال‌زایی در قانون برنامه سوم توسعه ۸۱-۱۳۷۹ /
محمد رحیم احمدوند ۱۷
بررسی فرصت‌های شغلی و برآورد سهم نیروی انسانی متخصص از ارزش افزوده بخش‌های
اقتصادی کشور (۱۳۷۵-۱۳۲۵) / رحیم دیاغ ۲۴
آزادسازی واردات در جهت دستیابی به جهش صادراتی مطالعه موردی صنعت خودروسازی /
حسن ولی بیگی ۲۲

اقتصاد توسعه

- کارایی در اصلاح قیمت‌های یارانه‌ای / فاطمه نظیفی ۴۰
به حساب آوردن طبیعت: گزارشی به کلوب رم / ورتوان داین / ترجمه محمدرضا ساجی ۴۳
توزیع درآمد و هزینه‌های اجتماعی در برزیل / ترجمه سعید صادقی - افشین جانی ۴۸
توسعه روستایی، کشاورزی و امنیت غذایی / ترجمه ابراهیم حسینی ۵۴

اقتصاد پول و بانک

- بانکداری اسلامی / محسن خان - عباس میرخور / ترجمه سیدحسین میرجلیلی ۵۸

اقتصاد بین‌الملل

- برندگان و بازندگان / رابرت وید / ترجمه فریا رهبر ۶۱
تولد دوباره یک ملت / ترجمه علی رضا شاهرخی ۶۵
شبکه جهانی اینترنت و قانون / ترجمه شهزاد خوانساری ۶۸

اطلاع رسانی

- آشنایی با مکاتب اقتصادی: مکتب نئوکلاسیک / اسپرو مورگوس / ترجمه سیدحسین میرجلیلی ۶۹
چکیده کتاب: توسعه به مثابه آزادی / آسیه قاسمی ۷۳
دست‌نشاندهی / ایناسیو رامونه / ترجمه آرش ژرفانگر ۸۲
عراق پس از جنگ در گرو دو دیدگاه متخاصم / حسام الخفاجی ۸۳
در حوضیض ناتوانی / ادوارد سعید / ترجمه مهرا ن قاسمی ۸۶

- مدیر داخلی: انور سپهری
- ویراستار: شیوا مقدم
- حروفچین: طوبی پورقربان
- طراح: زنده یاد نوشین آدرشین - فاطمه قوامی تهرانی

مجله در ویرایش مطلب آزاد است. مقاله‌های منتشر شده لزوماً به معنای دیدگاه معاونت امور اقتصادی نیست. مجله اقتصادی با استقبال از طرح نقطه‌نظرهای شما، آماده دریافت مطالب ارسالی است. لطفاً مقاله‌های خود را به نشانی زیر ارسال فرمائید.
خیابان پاسداران - خ شهید حجت سوری (نیستان هفتم) شماره: ۶۲/۳ - معاونت امور اقتصادی
کد پستی ۴۱۴۴ - ۱۹۴۴۸ تلفن ۲۵۶۳۳۴۰ و ۲۵۴۴۰۱-۶

شده بعد از جنگ جهانی دوم شد، آن را گسترش داد تا نظریه مارچینالیست را به طور کلی شامل شود، می توان تاهیکس^{۱۰} (۱۹۳۲، ص ۸۴) و استیگنر^{۱۱} (۱۹۲۱، صص ۸ و ۱۳ و ۲۹۷) دنبال کرد. معلوم نیست آن‌ها از چه منبعی این اصطلاح نئوکلاسیکی را به دست آورده‌اند. بسیار بعید است که هریک از آن‌ها به طور مستقل این اصطلاح را ساخته باشند.

شاید محتمل ترین منبع کاربرد هیکس، مقاله داب است که نشریه‌ای داخلی^{۱۲} در مدرسه اقتصاد لندن منتشر شد. به دنبال هملتون^{۱۳} (۱۹۲۳)، داب (۱۹۲۴، ص ۶۸) چنین نوشت که اصطلاح "یک اصطلاح کاملاً نامناسب برای توصیف اقتصاد مارشالی نیست، چون آنچه مکتب کمبریج انجام داده است عبارت است از سلب کردن اقتصاد سیاسی کلاسیکی از خامی‌های روشن آن، برای قطع کردن پیوندهایی با فلسفه حقوق طبیعی^{۱۴}، و به منظور بیان دوباره آن برحسب حساب تقاضایی است^{۱۵}، خط این — تبار نسبتاً — از اسمیت، مالتوس و ریکاردو" است. مقاله خود هیکس با ویلن محتمل ترین منابع مورد استفاده اب تیگلر هستند. استیگلر به هر دوی آن‌ها رجوع می‌کند. از یک سو مطمئناً هیکس و استیگلر، در پی بردن به هسته وحدت بخش نظریه‌های مارچینالیست که فردگرایی روش شناختی^{۱۶} درست تراز ویلن بودند.

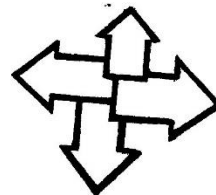
از سوی دیگر نظریه بهره‌وری نهایی توزیع از نظریه ذهنی ارزش به دست می‌آید. با این حال هیچ یک از آن‌ها دفاع مهمی برای دیدگاه نسبی شان (در آن زمان) که نوشته‌های اقتصاددانان کلاسیک نیز می‌تواند بر حسب این ریاضیات نظری توصیف شود ارائه نکردند. پس از آن این توصیف - و نامگذاری برای مارچینالیسم همراه با آن به رسمیت شناختن (یا تشخیص انفصال (disjuncture) نظری روشن میان اقتصاد کلاسیک و اقتصاد مارچینالیست راه داده است. کاربرد اصطلاح نئوکلاسیکی توسط استیگلر هر چند با تردید ولی احتمالاً به اندازه کتابش، با نفوذ بود. اصطلاح "نئوکلاسیکی" ابتدا رواج گسترده‌ای در مباحث مربوط به سرمایه و رشد در دهه ۱۹۵۰ و دهه ۱۹۶۰ یافت. بی تردید با استفاده گسترده از آن در کتاب درسی ساموئلسن نیز رواج عمومی یافت. از ویرایش آغاز معرفی سوم به بعد، ساموئلسن (۱۹۵۵، ص ۷۱) این کتاب را به عنوان "سنتز نئوکلاسیکی بی نظیر" ارائه می‌کند.

(۲)

بارزترین ویژگی اقتصاد نئوکلاسیک این است که بسیاری از مقولات وسیع پدیده بازار را به ملاحظات انتخاب فردی کاهش می‌دهد و به این طریق، مطرح می‌کند که علم اقتصاد می‌تواند به طور جدی بر قانون فردی اساسی انتخاب ذهنی میان گزینه‌ها پایه‌گذاری شود.

اقتصاد نئوکلاسیک یا به اصطلاح انقلاب مارچینالیست در نظریه ارزش - که در اواخر قرن نوزدهم حضور پیدا کرد - آغاز شد. به بیان دقیق تر، اقتصاد نئوکلاسیک یک مکتب فکری نیست (به معنای گروه

اطلاع رسانی



آشنایی با مکاتب اقتصادی: مکتب نئوکلاسیک*

اسپیرو مورگوس

ترجمه سیدحسین میرجلیلی (دکترای اقتصاد، استادیار پژوهشکده اقتصاد - پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

(۱)

اصطلاح "نئوکلاسیکی"^۱ رانخستین بار ویلن (۱۹۰۰، ص ۲۴۲ و ۲۴۳ - ۲۶۰ - ۸ و ۲۶۵) به منظور مشخص شدن مارشال و اقتصاد مارشالی استفاده کرد. ویلن^۲ به هر تشابهی در ساختار نظری میان اقتصاد مارشال و اقتصاد کلاسیکی به منظور دفاع از این نام‌گذاری جدید متوسل نشد، بلکه وی مکتب کمبریج مارشال را چنین تلقی کرد که دارای پیوستگی با اقتصاد کلاسیکی است آن‌هم بر مبنایی که گفته می‌شود. رهیافت مشترک اصالت فایده^۳ و فرض مشترک روانشناسی اصالت لذت^۴ است. اقتباس از کاربرد ویلن، این معنا از اصطلاح نئوکلاسیکی پس از آن، به ویژه در دهه ۱۹۲۰ و دهه ۱۹۳۰ به عنوان مثال در نوشته‌های ولسی میشل^۵، ج.ا. هابسسون^۶، موریس داب^۷ و اریک رول^۸ رواج یافت. معلوم است که پیدایش این تصور از اقتصاد مارشالی به عنوان یک پروژه، نئوکلاسیکی - دست‌کم تا حدی نیازمند گردن نهادن به درک مارشال از پیوستگی میان اقتصاد خودش و سنت کلاسیکی نیز است. کینز (۱۹۳۳، صص ۸ - ۱۷۷) نیز اصطلاح نئوکلاسیکی را هر چند در یک موضوع غیرستعارف^۹، اقتباس از تصور خودش از اقتصاد کلاسیکی به کار برد.

به کار بردن اصطلاح نئوکلاسیکی با معنایی که یک توافق پذیرفته

تجزیه^{۳۳} پدیده‌های اقتصاد به گونه‌ای که رویدادها بتواند برحسب نیروهای اساسی عرضه و تقاضای بازار که از طریق تصمیمات افراد عمل می‌کند، قابل فهم شود.

عرضه در مقابل تقاضا

موضوع اساسی اقتصاد مارجینالیست، آن گونه که توسط ویلیام استانلی جونز^{۳۴} در کتاب، "نظریه اقتصاد سیاسی"^{۳۵} (۱۸۷۱) تأکید شده است، این است که یک برآورد مشخص از ارزش هر شی با خدمت بستگی دارد به کمترین مورد از میان مهم‌ترین موارد استفاده که نارضایتی ایجاد خواهد کرد، اگر آن فرد مجبور باشد که از آن واحد صرف نظر کند. جونز، مارشال و والراس هر یک پیوند میان مقدار عرضه در یک دارایی فردی^{۳۶} و شدت نفع ذهنی تجربه شده را تشخیص دادند. اما مکتب اتریش و بعدها اقتصاددانان "مدرسه اقتصاد لندن"^{۳۷} بودند که طی دهه ۱۹۳۰ پیامدهای کامل این ایده که هر انتخابی به ضرورت نیازمند یک فرصت صرف نظر شده است را به دقت گسترش دادند. از این مطلب، "مکتب نئوکلاسیکی" عقلایت در بازار را نیازمند یک مقایسه ثابت و جایگزین‌هایی از سید کالاها (و خدمات) تعریف کرده است، تا زمانی که سببی (که از عهده پرداخت آن بر می‌آید) یافت شود، که خوشنودی حاصله از دلار نهایی خرج شده در تمامی موارد مخارج با یکدیگر مساوی شود. افزایش قیمت مشوق جایگزینی کالای گران‌تر به نفع جایگزین‌های ارزان‌تر است. اصل جایگزینی (آن‌گونه که توسط مارشال تعریف شده است) دلالت بر آن دارد که در قیمت‌های بالاتر، میزان تقاضای فردی - که قانون اول تقاضا نامیده شده است - هیچ‌گاه افزایش نمی‌یابد. دومین قانون تقاضا این است که هر قدر زمانی که بازار باید تعدیل شود طولانی‌تر باشد، اثر جاننشینی بزرگتر است. مفهوم جاننشینی به‌طور بالقوه یکی از رادیکال‌ترین ایده‌ها در علوم اجتماعی است و برای نقد بیشتر اندیشه‌های اجتماعی کنونی استفاده شده است که مبتنی بر این تصور همراه‌کننده است که نیازمندی‌های ملئی در برخی شکل‌های ثابت تغییرناپذیر وجود دارد.

در طرف عرضه بازار به تولیدکنندگان به‌عنوان تلاش‌کنندگان مداوم برای کشف راه‌های جایگزین کردن یک بسته از منابع به‌جای بسته دیگر، در تلاش برای یافتن ارزان‌ترین راه تولید هر مقدار عرضه و برای بقا در بازار و به این راه نگریسته شده است. مارشال الگویی از بنگاه‌ها و صنایع را گسترش داد که در آن انتقالات غیره منتظره در تقاضا سبب می‌شود بنگاه‌ها محصول‌شان را به تدریج و در کوتاه‌مدت با بهره‌برداری از ظرفیت‌شان با شدت بیشتر و سپس در درازمدت با تغییر ظرفیت‌شان، تعدیل کنند. با مرور زمان، مارشال فرض کرد که بنگاه‌ها هم در اندازه‌شان و هم از لحاظ سازمانی انعطاف‌پذیرتر می‌شوند و ویژگی تعادل بین عرضه و تقاضا به‌طور استوارتری استقرار می‌یابد. مارشال همچنین یادگیری و کشف شکل‌های جدید سازمان اقتصادی را به‌منظور تشویق سررده‌های مقیاس مطرح ساخت. نخستین قانون عرضه این است که هر قدر افزایش قیمت بیشتر باشد، افزایش مقدار

مشخصی از اقتصاددانان که از "استاد بزرگ واحدی"^{۳۷} پیروی می‌کنند) بلکه بیشتر یک ملغمه بدون انسجامی^{۳۸} از زیرمکتب‌های فکری^{۳۹} است که هریک است به دور استادان معروفی مانند: آلفرد مارشال در انگلستان، لئون والراس در فرانسه و کارل منگر در اتریش می‌چرخد. وجه مشترک این زیرمکتب‌ها، اهمیتی است که برای توضیح ویژگی‌های هماهنگ‌کننده فرایندهای بازار بر حسب برنامه‌ها و ارزیابی‌های ذهنی انجام شده توسط افراد در بازار منوط به محدودیت‌های دانش فن‌آورانه و عمل و عادت‌های اجتماعی و کیمیا می‌نمایند، قائل اند.

زیر مکتب‌ها

در انگلستان، انتصاب مارشال به کرسی (مقام استادی) اقتصاد سیاسی در دانشگاه کمبریج در ۱۸۸۵ نقطه آغاز مکتب کمبریج بود - یک گونه از اقتصاد نئوکلاسیک که بر تداوم دستاوردهای گذشته مکتب کلاسیک به‌ویژه اقتصاد دیوید ریکاردو و جان استورات میل تأکید می‌کند. در ۱۸۹۰ مارشال کتاب اصول علم اقتصاد^{۴۰} را منتشر کرد. مارشال در این کتاب نشان داد که چگونه نیروهایی که قیمت‌های نورمال کالاها را تعیین می‌کنند می‌تواند به‌وسیله عرضه و تقاضا در شرایط بنگاه‌هایی که برای بقا در درون صنایع تلاش می‌کنند توضیح داده شود. شاگردان مارشال شامل ای. سی. پیگو^{۴۱} دی. ایچ. روبرتسون^{۴۲}، رالف هارتوی^{۴۳} و تا حدی جان مینارد کینز که با مارشال اختلاف نظر داشت. (طی دهه ۱۹۳۰ کینز در نقطه مقابل دیدگاه‌های استاد قدیمی‌اش آلفرد مارشال قرار گرفت. با توضیح دادن این‌که چگونه ارزیابی‌های ذهنی می‌توانند منجر به هماهنگی فرایندهای بازار بیکاری نیروی کار و به‌کار نگرفتن سرمایه شود.)

در فرانسه، والراس مکتب تعادل عمومی را با انتشار کتاب مبانی اقتصاد محض^{۴۴} (۱۸۷۴) پایه‌گذاری کرد. این مکتب در نهایت ریشه در لوزان سوئیس داشت که در آن ویلفردو پارتنو^{۴۵} به‌ویژه، در کتاب "درس‌هایی در اقتصاد سیاسی"^{۴۶} (۱۸۹۷ - ۱۸۹۶)، مشارکت‌هایی داشت.

برخی از تعالیم والراس از طریق "مقدمات ریاضی علم اقتصاد"^{۴۷} (۱۹۲۴) نوشته ای. ال. باولنی به انگلستان رسید. مانند مارشال، والراس و پیروانش به توضیح عرضه و تقاضای قیمت‌گذاری بازار پرداختند، اما والراس تا حدی فراتر از مارشال رفت و شرایط ریاضی که تحت آن تمامی بازارها می‌تواند به‌طور همزمان در تعادل باشد را مورد بررسی قرار داد.

در اتریش کارل منگر مکتب اتریشی را با انتشار کتاب "اصول علم اقتصاد"^{۴۸} (۱۸۷۱) پایه‌گذاری کرد. استادان پس از وی در دانشگاه وین مانند، فردریش فون ویزر^{۴۹}، یوگن فون بوهم - باورک^{۴۹} و نودویگ میز و فردریش ای. خون هادیک^۳ بر مسایل اساسی سازمان اقتصادی متمرکز شدند. و از خردورزی‌های^{۳۱} منکر درباره اهمیت عمل اقتصادی^{۳۲} در شکل دادن به نهادهای اقتصادی در بازار، آغاز کردند. از نظر اتریش‌ها وظیفه مهم، استدلال اقتصادی عبارت است از

بارزترین ویژگی اقتصاد نئوکلاسیک این است که بسیاری از مقولات وسیع پدیده بازار را به ملاحظات انتخاب فردی کاهش می‌دهد و به این طریق، مطرح می‌کند که علم اقتصاد می‌تواند به‌طور جدی بر قانون فردی اساسی انتخاب ذهنی میان گزینه‌ها پایه‌گذاری شود.

هستند.

در دهه ۱۹۴۰ تحلیل سیاست نئوکلاسیک به یک وضع ثابت^{۴۲} دست یافت با بیان تفصیلی اصل جبران به‌دست آمده از یک الگوی استدلال^{۴۳} که ابتدا توسط پارتو توضیح داده شد. این ادعا مطرح شده است که شکل‌های خاص مداخله دولت توجیه می‌شود اگر آنان که با مداخله از ثروتی منتفع می‌شوند، دست کم آن قدر نفع ببرند که بران جبران کردن بازندگان ثروت کافی باشد. حتی اگر هیچ تلاش عملی برای جبران کردن انجام نشده باشد. با این معیار بسیاری از سیاست‌های دولت که از نظر سیاسی عامه پسند است، نمی‌تواند توجیه شود. به عنوان مثال تعرفه‌ها و سایر موانع تجارت آزاد بین‌المللی، نسبت به منافع محدودی که به عرضه‌کنندگان محلی^{۴۴} زیان بیشتری به خریداران تحمیل خواهد کرد می‌رسانند. اما بازندگان گسترده و پراکنده هستند. در حالی که تعداد نفع‌برندگان اندک است و برای وضع موانع تجاری بر محصولات خارجی لابی (Lobby) می‌کنند. بنابراین، این سیاست‌های غیراقتصادی از نظر سیاسی عامه پسند باقی می‌ماند.

نقد اقتصاد نئوکلاسیک

در دهه ۱۹۷۰ اقتصاد نئوکلاسیک به دلایل متعددی مورد حمله قرار گرفت. لیبرال‌های اصلاح‌طلب^{۴۵} مخالفت کرده‌اند که معیار یاد شده کاربری ملاحظات برابری را نادیده می‌گیرد، زیرا قیمت‌های بازار هم‌اکنون دلالت بر یک توزیع خاص اساسی ثروت دارد که نویسندگان نئوکلاسیک آنرا مفروض در نظر می‌گیرند. یک تحلیل سیاستی کامل با این تحلیل آغاز می‌شود که چه کسی و با چه هدفی باید صاحب ثروت باشد. گروه دیگری از مستقدان اقتصاد نئوکلاسیک یعنی مکتب نئویکارین^{۴۶} ادعا کرده‌اند که اقتصاد نئوکلاسیک به رسالت مکتب کلاسیک فدییه. بی‌اعتنا کرده است، به خاطر آنکه مکتب نئوکلاسیک بر الگوی عرضه و تقاضای پافشاری کرده است. طبق نظر پیرو سرانفرا^{۴۷} و شاگرنش، تقاضای نسبی یا مطلوبیت، در عمل هیچ نقشی در تعریف قیمت نسبی کالا در تعادل درازمدت ایفا نمی‌کند و بنابراین نقش اندکی در تعیین توزیع اجتماعی ثروت دارد. در این‌جا شرایط فن‌آورانه که تولید انواع معین کالاها به ویژه کالاهایی که توسط طبقه کارگر مصرف می‌شود را احاطه کرده است، بر توزیع درآمد اثر می‌گذارد و بنابراین وظیفه نظریه اقتصادی، توضیح دادن آن است که چگونه ارزش مازاد از طبقه کارگر گرفته شده و توسط دیگران استفاده شده است. طبق نظر گروه سرانفرا، اقتصاد نئوکلاسیکی نمایانگر انحرافی از تحلیل عمیق‌تری است که توسط دیوید ریکاردو ارائه شده و بعدها توسط کارل مارکس

عرضه شده بیشتر خواهد بود. و دومین قانون عرضه این است که برای هر افزایش معینی در قیمت، هر قدر زمان لازم برای تعدیل بازار طولانی‌تر باشد، افزایش در مقدار عرضه شده، بیشتر خواهد بود.

بهره‌وری نهایی و کارایی اقتصادی

اقتصاددانان نئوکلاسیک ارزش یک منبع را وقتی همراه با چند منبع دیگر استفاده شود با توجه به بهره‌وری نهایی برآورد می‌کنند. بهره‌وری نهایی یک منبع با تغییر دادن مقدار آن عامل و ثابت گرفتن سایر عوامل، و مشاهده اتفاقاتی که برای محصول می‌افتد، به‌دست می‌آید. هر قدر تولید نهایی آن عامل بیشتر باشد، با کنار گذاشتن یک واحد از عامل، محصول کاهش بیشتری پیدا می‌کند. فیلیپ ویکستید^{۴۸} در ۱۸۹۸ نشان داد که نبود صرفه‌های متیاس، وقتی به هر عامل معادل بهره‌وری نهایی آن پرداخت شود، به تولید مشترک^{۴۹} تمامی عوامل پرداخت خواهد شد، بدون آن‌که چیزی باقی بماند.

سپس نویسندگان نئوکلاسیکی مانند، پل داگلاس^{۴۰} در دهه ۱۹۲۰ و رابرت سولو^{۴۱} در دهه ۱۹۶۰ این نظریه قیمت‌گذاری عوامل را به‌منظور اندازه‌گیری سهم نیروی کار، سرمایه و نوآوری در رشد درآمد سرانه امریکا به‌کار بردند. یافته شگفت‌آور داگلاس (در نظریه دستمزدها، ۱۹۲۴) به معنی بر این‌که سهم نسبی سود سهام ملی دریافت شده توسط کارگران در طول زمان به نسبت ثابت باقی مانده است - ضربه جدی به ادعای ریح آن زمان مارکسیست‌ها مبنی بر این‌که با توسعه سرمایه‌داری، سهم کمتری از کثیف در حال رشد، نصیب طبقه کارگر می‌شود، وارد کرد.

اقتصاد نئوکلاسیک بخش مهمی از تحلیل سیاستی اش را بر تصور خاصی از کارایی اقتصادی بنا نهاده است. اگر بتوان نشان داد که سیاست A به هدف معینی با منابع کمیاب کمتر از سیاست B دست می‌یابد، در آن صورت سیاست A، به سیاست B ترجیح داده می‌شود و کاراتر است. وقتی ارزش ترکیب‌شده منابع را با یکدیگر مقایسه می‌کنیم، باید هزینه‌های فرصت متحمل شده توسط خود صاحبان منابع برای در دسترس قراردادن واحدهای نهایی عرضه را مقایسه کنیم - یعنی هزینه نهایی - با ارزش فراهم شده برای مصرف‌کنندگان وقتی منابع در کاربردهای کنونی نشان به‌کار روند. با فرض این‌که قیمت‌های بازار شاخص‌های (تقریبی) ارزش هستند و بنابراین یک مبنای قابل قبول برای تحلیل سیاستی هستند، اقتصاددانان نئوکلاسیک برنامه‌ها را بر حسب منافع و هزینه‌های اندازه‌گیری شده‌شان، ارزش‌یابی می‌کنند. سیاست‌هایی که منافع بیش از هزینه‌ها دارد، از نظر اقتصادی کارا

15. Differential Calculus.
16. methodological individualism.
17. Moss, Laurence, S. , "Neoclassical Economics", in: The Mc Graw - HiLL Encyclopedia of Economics," 2nd edition, 1994.
18. Single great master
19. Loose amalgam.
20. Subschools of thought.
21. Subschools.
22. Principles of Economics.
23. A. C. Pigou.
24. D. H. Robertson.
25. Ralph Hawtrey.
26. Elements of Pare Economics.
27. Vilfredo Pareto.
28. Cours d'conomie Politique.
29. Mathematical Grondwork of Economics.
30. Friedrich Von Wieser.
31. Eugen Von Bohm - Bawerk.
32. Ludwig Von Miss.
33. Friedrich A.Von Hayek.
34. Insights.
35. Economizing action.
36. Disaggregate.
37. William Stanley Jevons
38. Theory of Political Economy.
39. Lodon School of Economics.
40. individual's Possession.
41. Phillip Wicksteed.
42. Joint - Product.
43. Paul Douglas.
44. Robert Solow.
45. Plateau.
46. Pattern of reasoning
47. Local Suppliers.
48. Reform Liberals.
49. Neo - Ricardion School.
50. Pkro Sraffa.
51. Israel Kirzner
52. Murray N. Rothbard
53. Ludwig Lachmann.
54. Foundations of Economic Anlysis.
55. Most Wasteful Policy.

گسترش یافته است مکتب نئوریکاردویی سرافا کاملاً راضی است که از ارزش‌یابی فردی در بازار دور شویم و به جای آن بر هدف یا شرایط فن‌آورانه تعادل درازمدت متمرکز شویم. تلاش برای نشان دادن که توزیع درآمد بعد از تخصیص معیشت اساسی به کارگران، از لحاظ سیاسی تعیین شده است و بنابراین هیچ نقشی در تولید دوباره محصول سالانه در درون چارچوب نهادهایی اجتماعی سرمایه‌داری ایفا نمی‌کند.

در میان نویسندگان نئوکلاسیکی، طرفداران مکتب جدید اتریشی مانند اسرائیل کرزنر^{۴۸}، موری. این. را تبارد^{۴۹} و لودویگ لاجمن^{۵۰} کمتر به جزئیات موقعیت‌های تعادلی پرداخته‌اند، آن‌گونه که به تفصیل در کتاب "مبنای تحلیل اقتصادی"^{۵۱} (۱۹۴۸) پل ساموئلسن توصیف شده است و با فرایندی سروکار دارد که با آن بازارها تعدیل می‌شوند یا در تطبیق (adjust) با تغییرات با شکست مواجه می‌شوند. اتریشی‌های جدید با تلاش‌های انجام شده برای اندازه‌گیری هزینه‌های فرصت چالش کرده‌اند، با ادعای این‌که فرض تعادلی بودن قیمت‌های بازار، نارواست بنابراین اتریشی‌های جدید مبنای روش شناسانه تحلیل هزینه - فایده را رد کرده‌اند.

به‌طور خلاصه مکتب نئوکلاسیکی پیکره کاملاً گوناگونی از مفاهیم را برای توضیح عملیات بازار برحسب نیروهای توأم عرضه و تقاضا ارائه می‌کند. برحسب مفهوم محدود و پذیرفته شده کارایی اقتصادی (برآورد شده در مطالعات اقتصادسنجی با فرض این‌که قیمت‌های بازار، شاخص‌های هزینه‌ها و منافع هستند)، اقتصاد نئوکلاسیکی مبنایی برای نقد پرخرج‌ترین سیاست‌های^{۵۲} دولت ارائه می‌کند، با نشان دادن این‌که جایگزین‌های با هزینه کمتر وجود دارد.

این مطلب ترجمه‌ای است از منابع زیر:

- Tony Aspromourgos , "Neoclassical," in; Palgrave, Vol.3, P. 625.

- The McGraw - Hill Encyclopedia of Economics, 1994.

1. Neoclassical
2. Veblen
3. Common Utilitarian Approach.
4. Hedonistic Psychology.
5. Wesley Mitchel.
6. J. A. Hobson.
7. Maurice Dobb.
8. Eric Roll.
9. Idiosyncertic
10. Hicks
11. Stig ler
12. Hose Journal
13. Hamilton.
14. natural law.